



## جوان

• مرتضی حبیب پوریان



تا آنان در جهت مثبت بیفتند و خود و کشورشان را به رشد و توسعه همه‌جانبه برسانند.

### طبقه‌بندی مشکلات نوجوانان و جوانان و روشهای بررسی آنها

دوره نوجوانی و جوانی یکی از بحرانی‌ترین دوران زندگی است. نوجوان از مرز کودکی گذشته و وارد مرحله نوینی شده‌است. ورود به دوره نوجوانی، فرد را با مشکلات فراوانی مواجه می‌کند. بررسی

در اوایل قرن حاضر «استانلی هال» براساس مطالعات و مشاهدات خود با عده زیادی از نوجوانان به این نتیجه رسید که مرحله نوجوانی دوره‌ای است که در آن فرد دارای جنبه‌های افراطی و اغراق آمیز در سلوک و رفتار خود می‌باشد و از مشخصات آن طوفان و فشار هیجانی است.

ابتدا این تغییرات را جسمانی می‌دانستند ولی به تدریج روشن شد که رفتار دوره بلوغ بیش از آنکه ناشی از تغییرات جسمانی باشد، تحت تأثیر عوامل محیطی قرار دارد.

جوانان جمعیت معتناهایی را در سطح جهان تشکیل می‌دهند. تخمین زده شده‌است که در فاصله سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰، افراد گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ ساله از ۴۱۹ میلیون نفر به ۱،۲۸۰،۰۰۰،۰۰۰ بالغ خواهد گردید. بیشترین رقم از این تعداد در جهان سوم هستند و در کشور ما، ایران حدود ۱/۳ جمعیت را تشکیل می‌دهند، نمی‌توان این جمعیت فعال را نادیده گرفت. لازم است مسائل و مشکلات این گروه بررسی شود و راه‌حلهایی ارائه گردد

در اقوام بدوی و فرهنگ‌های ابتدایی مرحله‌ای تحت عنوان بلوغ و جوانی وجود نداشته و این دو مرحله ناشی از تغییرات بدنی تصور می‌شده‌است. ولی اسلام به دوره جوانی توجه خاصی مبذول داشت. پیامبر اسلام (ص) هفت سال سوم زندگی را دوران مشورت و رایزنی دانستند. در این دوره باید به نظر و عقیده جوانان احترام گذارد و آنان را در تصمیم‌گیریها شرکت داد. امام علی (ع) این دوره را به «سکر الشباب» یعنی «مستی جوانی» تعبیر کرده‌اند. این تعبیر درهم‌بودن افکار و عقاید را در این دوره بیان می‌کند. قرآن مجید دوران جوانی را زمان قوت و قدرت می‌داند که از یک طرف با ضعف کودکی و از طرف دیگر با ضعف پیری احاطه شده‌است.

جوانی دوره شور و توان است، دوره‌ای است که استعداد جسمانی و عقلانی می‌تواند رشد و پرورش یابد. پیامبر اسلام (ص) آن قدر به این دوره اهمیت دادند که اسامه جوان را به فرماندهی سپاه برگزیدند و مصعب بن عمیر را که جوانی باایمان و جدی بود، قبل از هجرت برای آموزش و اداره امور مدینه به آنجا فرستادند و به اعتراض «این» و «آن» که جوان بودن آنان را نقص می‌دانستند، توجهی نکردند.

با اینکه درباره بلوغ و جوانی در فرهنگ و ادب ما سخن‌ها بسیار رفته و نصایح و اندرزهایی شده‌است ولی این دوره مورد امعان نظر دقیق قرار نگرفته و بررسی و تحقیق جامعی در این زمینه نشده‌است. جوانی مانند حلقه مفقوده‌ای به فراموشی سپرده شده و جوانان مورد عنایت و توجه قرار نگرفته‌اند.



اگر هویت شفصی نوجوان در طی زمان و براساس تجربیات ماضی از برافورد صمیم اجتماعی ایجاد شود و نوجوان بتواند خود را بشناسد و از دیگران جدا سازد، تعادل روانی وی تضمین می‌شود ولی اگر سرفوردگی و عدم اعتماد جایگزین اعتماد گردد و به‌جای تماس با مردم، نوجوان گوشه‌گیر و منزوی شود و به‌جای تمسک به رکود گراید و به‌جای فودآگاهی و تشکیل هویت مثبت، دچار ابهام در نقش خود شود، هماهنگی و تعادل روانی وی بهم می‌خورد و به‌بهرمان هویت دچار می‌شود



این مشکلات مستلزم بررسی همه‌جانبه نسلی است که در حال دگرگونی عمیق شخصیتی است و برای سازگاری از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کند. مشکلات دوره نوجوانی و جوانی مستلزم بررسی و توجه بسیاری از محققین قرار گرفته‌است. در یک جمع‌بندی مختصر و با اندکی تسامح مشکلات نوجوانان را می‌توان به پنج دسته زیر تقسیم نمود:

۱. اختلال در تصویر بدنی، ۲. بحران خودشناسی، ۳. مشکل اجتماعی شدن، ۴. مسأله جنسی، ۵. بیماریهای روانی.
- با انجام چند تحقیق در زمینه مشکلات جوانان ایران، مسائل آنان به‌صورت زیر طبقه‌بندی شده‌است:
۱. دشواریهای مالی، ۲. دشواریهای تحصیلی، ۳. دشواریهای ناشی از تعارض گذشته و روزگار کنونی، ۴. دشواریهای ناشی از مناسبات خانوادگی، ۵.

دشواریهای ناشی از تمایلات جنسی، ۶. اعتیادات جوانان، ۷. دشواریهای ایام فراغت، ۸. اضطراب‌ها و نگرانی‌ها.

براساس گزارش یونسکو، جوانان روستایی بزرگترین طبقه را در سطح جهانی تشکیل می‌دهند و از نظر اجتماعی درجه و مقام آنها مهم است.

در اقتصاد کشاورزی کشورهای درحال توسعه، جوانان روستایی نقش مهمی دارند. جوانان شهری بیشتر مصرف‌کننده و بیکارند، این مطلب مخصوصاً در طبقات فقیر شهری که مرتباً در اثر مهاجرت مردم روستاها به شهرها متورم‌تر می‌شود کاملاً مشهود است.

جوانان بی‌سواد گروه بزرگی را تشکیل می‌دهند، در سال ۱۹۶۲ تخمین حدود ۱۴۶ میلیون جوان بی‌سواد بین ۱۵ تا ۲۴ سال در دنیا وجود داشته‌است. تعداد کارگران جوان رو به افزایش است و طبعاً در تأمین شغل و پیشرفت در آن مشکلاتی دارند، ارقام دانش‌آموزان هر روز زیاده‌تر می‌شود و آنان از نظر تحصیلی و اجتماعی با مشکلاتی مواجه هستند، دانشجویان دانشگاهها در فاصله سال ۶۵ - ۶۰ از ۱۱ میلیون به هجده میلیون رسیده و افزایش چشم‌گیری داشته‌است. البته این آهنگ افزایش در کشورهای درحال توسعه کمتر بوده‌است. از تحقیقی که توسط «هارولند هند» بر روی هفت‌هزار دانش‌آموز مدارس متوسطه صورت گرفته، معلوم گشت که بیشتر آنان از میهم‌بودن آینده خود، نداشتن درآمد، نداشتن وقت کافی برای مطالعه و نداشتن شغل رنج می‌بردند.

با جمع‌بندی مشکلاتی که در دوره نوجوانی و جوانی مطرح است، می‌توان

مشکلات آنان را به‌صورت زیر طبقه‌بندی نمود:

۱. بحران بلوغ و مسائل ناشی از تحولات آن
۲. بحران هویت و سردرگمی در نوجوانان
۳. مشکل مناسبات و روابط نوجوانان با والدین و همسالان
۴. تحول ارزش‌ها در نوجوانان
۵. مشکل تحصیل
۶. مشکلات مالی و شغلی
۷. مشکل اوقات فراغت
۸. مشکلات جنسی
۹. بزهکاریها
۱۰. مشکل اعتیاد
۱۱. مشکلات ناشی از معلولیت و نقایص بدنی
۱۲. مشکلات ناشی از بیماریهای روانی

### بحران بلوغ

فرآیند بلوغ یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های زندگی هر فرد است. استانی حال که به پدر روانشناسی بلوغ معروف است، این مرحله را دوران طوفان و فشار می‌نامد. نوجوانان در این دوره، تمایلات و خواهشهای متضادی دارند و خودخواهی کودکانه با نوع‌پرستی خیرخواهانه را درمی‌آمیزند با اینکه نوجوان می‌خواهد با دوستان خود باشد علاقه‌مند به تنهایی است. روسو دوره بلوغ را تولد مجدد می‌داند. وقتی فرد به دوره بلوغ می‌رسد، مثل این است که فرد دیگری با خصوصیات بدنی و روانی متفاوتی در وی به‌وجود می‌آید.

نوجوانی با تغییرات بیولوژیکی آغاز



می‌شود. این تغییرات در دختران در سنین ۹ تا ۱۲ سالگی و در پسران از ۱۱ تا ۱۳ سالگی بروز می‌کند. تغییرات بیولوژیکی با افزایش وزن بدن و طول ناگهانی قامت همراه است. رشد سریع بدنی در این دوره تحت تأثیر هورمونهای غدد درون ریز، مخصوصاً غده هیپوفیز قرار دارد. ترشح هورمونهای غده هیپوفیز سایر غدد مانند غده آدرنال، غده تیروئید و غدد جنسی را فعال می‌کند. رشد بدنی ۳ تا ۴ سال طول می‌کشد و اوج آن در پسران ۱۴ سالگی و در دختران ۱۲ سالگی است. طی این دوره ۱۵ تا ۲۰ سانتیمتر بر قد و ۲۰ تا ۲۵ کیلوگرم بر وزن نوجوان اضافه می‌شود.

غیر از عوامل بیولوژیکی، عوامل اجتماعی نیز در تغییرات بلوغ تأثیر دارند. نوجوان ایرانی با نوجوان هندی یکسان نیست و رفتارشان تحت تأثیر فرهنگ آنان قرار دارد. عادات تغذیه، توجه به سلامت بدنی و نوع فعالیتها در جوامع مختلف متنوع است و باعث تسریع یا تأخیر بروز برخی از صفات در نوجوانان می‌شود.

حالت هیجانی در دوره بلوغ غنی‌تر شده و گاهی به صورت حساسیت و هیجان شدید درمی‌آید. توجه و دقت نسبت به

بدن زیاد می‌شود، حجب و حیا ظاهر می‌گردد و نشانه این است که تماس با دیگران برای نوجوانان دشوار است. تغییر و تلون علایق و عقاید و میل به بحث در نوجوانان زیاد می‌شود و مقدمه‌ای برای یختگی عقلی است. مخالفت با نزدیکان مخصوصاً با اعضای خانواده به صورتهای مختلف بروز می‌کند. این عناد با والدین نشانه‌ای بر میل به تشخیص طلبی است و نوجوان بدین وسیله می‌خواهد خود را نشان دهد. در زمینه بلوغ پندارهای نادرستی وجود دارد که لازم است ذکر و تصحیح شود:

**اول** . آب‌وهوای گرم باعث تسریع بلوغ نمی‌شود، بلکه بلوغ بیشتر به طرز تغذیه و بهداشت و شرایط اجتماعی وابسته است تا آب‌وهوا.

**دوم** . اندازه بدنی معیار خوبی برای بالغ‌بودن نیست. انتظار زیاد از حد از نوجوانانی که دارای اندام بزرگی هستند، در آنان ایجاد اضطراب می‌کند و احساس خودکم‌بینی خواهند کرد.

**سوم** . تغییرات بلوغ در همه اقرد یکسان نیست. تغییرات بدنی همراه با بلوغ ممکن است در برخی از نوجوانان در اوایل بلوغ روی دهد و در برخی به تأخیر بیفتد.

**چهارم** . داشتن بازوی قوی بدین معنا نیست که نیروی فکری فرد ضعیف است.

**پنجم** . پیشرفت در امور تحصیلی به معنای عقب‌افتادن در روابط عاطفی و اجتماعی نیست.

**ششم** . ورزشهای پر جنب و جوش در شروع دوره نوجوانی ضرر ندارد.

**هفتم** . دوره نوجوانی را همواره

نمی‌توان دوره خامی و نازمودگی دانست. بزرگسالان تصور می‌کنند که نوجوانان نازموده و خام هستند و بسیاری از مشکلات آنان را به نازمودگی نسبت می‌دهند.

از آن‌جا که تغییرات بلوغ برای نوجوانان مبهم و مرموز است و هرگونه برداشت غلط و اطلاع ناقص به آنان ضربات جبران‌ناپذیری را می‌زند، والدین موظف هستند که از وقوع این تغییرات نوجوان خود را آگاه سازند. شانه خالی کردن از این وظیفه مشکلات فراوانی را برای نوجوانان ایجاد می‌کند که والدین هم در معرض آن خواهند بود و نمی‌توانند مسؤولیت خویش را نادیده بگیرند و همه گناهان را به گردن نوجوان بیندازند. راهتمایی به‌موقع می‌تواند از بسیاری از مشکلات جلوگیری کند یا از شدت آن بکاهد.

### بحران هویت

زندگی آرام و بی‌دغدغه کودکی با فرارسیدن دوران بلوغ به یکباره دگرگون می‌شود ابتدا نوجوان تصویر ذهنی خاصی از بدن خویش پیدا می‌کند. این تصویر ذهنی با تصویری که فرد از خود در آینه می‌بیند، متفاوت است و شامل برداشت جسمانی همراه با خصوصیات روانی می‌شود.

می‌دانیم که رفتار فرد در جهت تأمین نیازی صورت می‌پذیرد. نیازها به صورت سلسله‌مراتب زیر هستند:

الف . نیازهای فیزیولوژیک برای ارضای گرسنگی و تشنگی و کشش جنسی،  
ب . نیازهای امنیت برای تأمین امنیت،  
تظم و ثبات



ج. نیازهای تعلق و محبت برای تأمین دوستی و همانندسازی

د. نیازهای احترام برای تأمین شأن و مقام و موفقیت و احترام شخصی و اجتماعی

ه. نیاز به تحقق خویشتن و رسیدن به کمال

هر فرد برای تأمین نیازهای خود نوعی از رفتار را مؤثرتر از نوع دیگر می‌یابد. این رفتارها به صورت خصیصه و صفات ویژه وی درمی‌آیند. برخی از این خصایص، مرکز ثقل شخصیت فرد می‌شوند و سایر خصایص بر محور آنها می‌چرخند. ترکیب این خصایص زیربنای شخصیت ویژه و منحصر به فرد هر شخصی را تشکیل می‌دهد. این خصایص ویژه در نقش‌های مختلف بروز می‌کنند. نقش‌ها مجموعه‌ای از رفتار هستند که فرد با توجه به خصایص ویژه خود و براساس انتظارات اجتماعی ایفا می‌کند. مفهوم خود از مجموعه خصایص ویژه و نقشهایی که فرد ایفا می‌کند، تشکیل

می‌یابد. هر تجربه‌ای به تشکیل مفهوم خود کمک می‌کند. مفهوم خود تصویر جامعی است که فرد از خویشتن دارد.

توسعه مفهوم خود، به تدریج به تشکیل هویت شخصی می‌انجامد، هویت عبارت از افتراق و تمیزی است که فرد بین خود و دیگران می‌گذارد. هویت شخصی یک مبارزه و ساختار روانی - اجتماعی است. یعنی هم شامل طرز فکرهایی می‌شود که معترف فرد است و هم نحوه ارتباط فرد با دیگران را می‌رساند.

براساس نظریه «اریکسون» اگر هویت شخصی نوجوان در طی زمان و براساس تجربیات حاصل از برخورد صحیح اجتماعی ایجاد شود و نوجوان بتواند خود را بشناسد و از دیگران جدا سازد، تعادل روانی وی تضمین می‌شود ولی اگر سرخوردگی و عدم اعتماد جایگزین اعتماد گردد و به جای تماس با مردم، نوجوان گوشه‌گیر و منزوی شود و به جای تحرک به رکود گراید و به جای خودآگاهی و تشکیل هویت مثبت، دچار ابهام در نقش خود شود، هماهنگی و تعادل روانی وی به هم می‌خورد و به بحران هویت دچار می‌شود.

تحول بلوغ، تصویر ذهنی از بدن و هویت شخصی نوجوان را تهدید می‌کند. نوجوان با در نظر گرفتن تجربیات گذشته و قبول تحولات بلوغ می‌خواهد هویت خویش را از نو بازسازی کند، حتی مخالفت و ستیز نوجوانان با والدین خود و عصیان و سرکشی آنان در برابر ارزش‌ها و قدرتها و دخالت‌های دیگران برای تثبیت هویت و جدانمودن هویت خویش از سایرین است.

معمولاً والدین با این وضعیت بحرانی نوجوانان برخورد خوبی ندارند و اغلب این وضعیت را درک نمی‌کنند. در خانواده‌ها نوجوانان مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و در مواقعی که نیاز شدید به دوستی و تفاهم متقابل دارد، مورد هجوم قرار می‌گیرند.

به والدین باید توصیه کرد که نوجوانان را در این دوره بحرانی درک کنند و سرکشی‌ها و مخالفت‌های نوجوانان را در این دوره به صورت علائم رشد و از خصوصیات دوره نوجوانی تعبیر کنند و آن را مقدمه‌ای قطعی یک واقعه نگران‌کننده که آینده نوجوان را تهدید می‌کند، ندانند. برخورد صحیح آنان به نوجوانان کمک خواهد کرد تا از این برهه پرتلاطم و آشوب بگذرد. در بحران هویت نوجوان شدیداً دچار اضطراب و ناراحتی ذهنی است به صورتی که نمی‌تواند جنبه‌های مختلف شخصیت خویش را در یک خویشتن قابل قبول و هماهنگ سازمان دهد. به هنگام بحران هویت نوجوان در سه مورد یا بیشتر از موارد زیر دچار تردید و شک است:

۱. اهداف بلندمدت
۲. انتخاب شغل
۳. الگوهای رفاقت
۴. رفتار و تمایل جنسی
۵. تشخیص مذهبی
۶. نظام ارزش‌های اخلاقی
۷. تعهد گروهی

باید به این نوجوانان در جلسات مشاوره و یا مشاوره گروهی کمک کرد تا هویت خویش را درک کنند و به ارزش خویشتن پی برند و اهداف قابل قبولی را دنبال کنند و مهارت‌های اجتماعی را فرا گیرند.





## باجوانی ام چه کردم؟

شده و باهم زندگی می‌کنند ولی از نظر روانی و درونی از همدیگر جدا هستند، روابط آنان سرد و خشک و همراه با سرزنش و تهدید و گاه توبیخ و اهانت است. در چنین خانواده‌ای نوجوان احساس می‌کند که به خانواده خود تعلق ندارد و آنها را مدل خوبی برای تبعیت نمی‌داند و به رفتارهای متعارض و ناسازگار کشانده می‌شود.

### مناسبات و ارتباط با دوستان

نوجوانان به رفاقت و دوستی با همسالان اهمیت فراوانی می‌دهند و از زندگی مشترک با آنان لذت می‌برند. اجتماع نوجوانان محیطی را فراهم می‌آورد که در شخصیت هر یک از آنان اثر عمیق خواهد داشت. گروه همسالان دارای قدرت زیادی است و می‌تواند اعضای گروه را تحت تأثیر خود قرار دهد. این گروه نقطه اتکا برای اعضا محسوب می‌شوند و حتی گاهی برابر خانواده قیام می‌کنند و خشم خانواده‌ها را برمی‌انگیزند. یک جوان تازه‌بالغ نسبت به دوستان

تشخص طلبی یا کسب استقلال یا جداسازی خود از دیگران است. مخالفت در پسران شدیدتر از دختران است، این امر شاید به دلیل جرأت و قدرتی است که پسران در طول رشد خود کسب می‌کنند. معمولاً از دختران انتظار مخالفت نمی‌رود و آنان آرام‌تر از پسران هستند و مخالفت خود را به صورت قابل قبول تری ابراز می‌دارند. با اینکه نوجوانان ایرانی به والدین خود علاقه دارند و ۷۶ درصد از دانش‌آموزان و ۸۰ درصد از کارگران در نمونه‌ای از اصفهان ابراز داشته‌اند که پدر و مادر خود را دوست دارند ولی متأسفانه از جانب والدین خود مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و آنان را درک نمی‌کنند. در این وضعیت ناهمگون که والدین، نوجوانان را ناسازگار می‌پندارند و نوجوانان هم رفتار والدین خود را قبول ندارند، امکان وقوع بسیاری از حوادث ناگوار برای نوجوانان می‌رود. نوجوان برانتر تغییرات بلوغ و بحران هویت رفتار ناسازگار گونه‌ای دارد. والدین افرادی هستند که با ارتباط صحیح با وی می‌توانند به او کمک کنند تا از این سن پرآشوب بگذرد. نوجوان به تفاهم نیاز دارد و باید به او کمک شود تا به استقلال همه‌جانبه برسد. خصوصیات و نحوه رفتار والدین به تکامل شخصیت نوجوان کمک می‌کند و یا جلوی رشد طبیعی او را می‌گیرد.

### طلاق روانی

طلاق روانی متأسفانه مشکل عمده‌ای که در مشاوره‌های فامیلی به چشم می‌خورد وجود نوعی طلاق روانی در بین خانواده‌هاست، یعنی با اینکه خانواده از نظر عرفی و قانونی از همسران تشکیل

حالت هیجانی در دوره بلوغ غنی‌تر شده و گاهی به صورت مناسبت و هیجان شدید درمی‌آید. توجه و دقت نسبت به بدن زیاد می‌شود، مجب و میا ظاهر می‌گردد و نشانه این است که تماس با دیگران برای نوجوانان دشوار است. تضییع و تلون علایق و عقاید و میل به بحث در نوجوانان زیاد می‌شود و مقدمه‌ای برای یفتگی عقلی است. مخالفت با نزدیکان مخصوصاً با اعضای خانواده به صورتهای مختلف بروز می‌کند. این عناد با والدین نشانه‌ای بر میل به تشخص طلبی است و نوجوان بدین وسیله می‌خواهد خود را نشان دهد.



### مشکل مناسبات و روابط نوجوانان و جوانان با والدین و همسالان

پدر و مادر، اولین کسانی هستند که زیربنای شخصیت سالم یک نوجوان را می‌گذارند. معمولاً والدین نوجوان را به صورت کودک می‌نگرند. مثل اینکه گذشت زمان تغییری در وی نداده است. عدم درک نوجوانان باعث کشمکش بین آنان و والدین می‌شود. نوجوانان به خود حق می‌دهند که در مسائل مربوط به خانه اظهار نظر کنند و افکار و عقاید و اعمال اعضای خانواده را مورد سؤال قرار دهند. نوجوان آن کودک سربراه قبلی نیست و در مقابل تحکم و دستورات والدین مقاومت می‌کند. از جمله خصوصیات دوره نوجوانی مخالفت است. نوجوان با افراد ذی نفوذی که در اطراف هستند، به مخالفت برمی‌خیزد. والدین نیز در دایره مخالفت قرار دارند. این مخالفت به خاطر



خود وفادار است و هرگونه حمله‌ای به آنان به‌وسیله پدر و مادر خشم او را برمی‌انگیزد. بهتر است والدین پذیرای دوستان او باشند و با ارزیابی رفتار آنان کنترل خویش را اعمال نمایند. دوستی‌ها در دوره نوجوانی براساس نیاز اجتماعی و برای ایجاد روابط سالم و سازنده است. شخصیت اجتماعی نوجوان در حال شکل‌گرفتن است و بر این اساس رقابت‌ها نقش عمده‌ای را در اجتماعی شدن آنان ایفا می‌کند. وقتی نوجوان دوستانی پیدا کرد نسبت به آنان اعتماد می‌کند و مایل است دوستی خود را محکم سازد لذا در صورت دخالت والدین ترجیح می‌دهد که به جانب دوستان برود و از آنان حمایت کند. والدین در صورتی موفق خواهند بود و تصادم و برخوردی با نوجوان پیدا نمی‌کنند که در کنار او حرکت کنند و ضمن مراقبت از وی، آزادی عمل وی را سلب نکنند. گردش و اردوهای جمعی و فعالیت‌های دسته‌جمعی در صورتی که تحت نظارت یک مربی لایق صورت پذیرد، می‌تواند در پرورش شخصیت اجتماعی نوجوانان مفید باشد. البته نباید مسئولیت والدین را در بررسی مربی و ناظر و همچنین نوع دوستان نادیده گرفت زیرا هرگونه اهمال و شانه خالی کردن ممکن است زیانهای جبران‌ناپذیری را به‌بار آورد.

جذب گروهی و پذیرش در جمع دوستان برای نوجوانان اهمیت فراوان دارد و لذا باید هرگونه انزوا و کناره‌گیری را به‌دقت مورد بررسی قرار داد و علت آن را جویا شد.

دوستیها و جذب و کششی که گروه همسن دارد و همچنین تأثیری که هریک



از اعضای گروه بر یکدیگر دارند، باعث شده‌است که فرهنگ خاصی در این گروهها به‌وجود بیاید و نوجوانان نیز از این فرهنگ پیروی می‌کنند. این فرهنگ را گاهی فرهنگ جوانان نیز می‌نامند و بیانگر قدرت تأثیر متقابل افراد بر یکدیگر است (به‌ویژه نوجوانان).

### تحول ارزش‌ها

قرن حاضر را دوران تزلزل ارزش‌ها نامیده‌اند. در جوامع کنونی مفاهیم ارزشی اعتبار خود را از دست داده‌است. مفاهیمی از قبیل آزادی، عدالت اجتماعی و برابری انسانها مورد تغییر و تفسیرهای مختلف قرار گرفته و در بعضی موارد به ضد خود تبدیل شده‌است. عیناً مانند تزلزل ارزش‌ها در جامعه، در دوره جوانی ارزش‌ها متحول می‌شوند و مفاهیم ارزشی مورد تردید و سؤال قرار می‌گیرند.

نوجوان تمام روابط و باورهایی را که در دوران کودکی بدون چون‌وچرا پذیرفته‌است، مورد پرسش و تردید قرار می‌دهد و سعی می‌کند با توجه به شخصیت شکل‌پذیر و استقلال‌جوی خود، نظامی از ارزش‌ها دربارهٔ زیبایی، حقیقت و قدرت و دین به‌دست آورد.

با توجه به انواع شخصیت‌ها ارزش‌ها به ۶ قسم یعنی: ۱. ارزش‌های نظری، ۲. ارزش‌های اقتصادی، ۳. ارزش‌های زیبایی، ۴. ارزش‌های اجتماعی، ۵.

ارزش‌های مذهبی و ۶. ارزش‌های سیاسی تقسیم می‌شوند.

هر فردی براساس نوع شخصیتی که دارد، به یک دسته از ارزش‌ها بیش‌از ارزش‌های دیگر اهمیت می‌دهد و در نتیجه محور و مبنای عمل و رفتار او را تشکیل می‌دهد.

نکته مهمی که در این قسمت لازم به ذکر است، این است که: ارزش‌ها در بین جوانان با بزرگسالان متفاوت است. اگر والدین به تفاوت نظام آموزشی و ارزشی جوانان توجه داشته‌باشند، در برخورد با آنان به تحمیل نظر و سیستم ارزشی خود پافشاری نمی‌کنند و به گفته «هریسن» برای تربیت نوجوانان باید معیارها و قضاوت‌های خود را با نظر انتقادی بنگریم و همچنان که از او انتقاد می‌کنیم خودمان نیز انتقادپذیر باشیم. تنها زمانی می‌توانیم او را صحیح تربیت کنیم که خود را از عیب‌میزی ساخته‌باشیم.

ممکن است عقیده نوجوان کاملاً با عقاید والدین متضاد باشد، اما اگر آن عقیده در یک زمان و مکانی صحیح به‌نظر رسید، باید آن را قبول کرد، جوان زمانی قانع می‌شود که عقیده فرد دیگری را منطقی بداند بنابراین نمی‌توان به اتکای مسن‌تربودن او را در بحث مغلوب کرد، بلکه باید صحیح و درست استدلال نمود.

همانطور که قبلاً گفتیم در دوران بلوغ ارزش‌ها متحول می‌شوند و مهم‌ترین مسأله‌ای که مورد تحول قرار می‌گیرد، اعتقادات مذهبی نوجوان است. او در این دوره در اعتقادات مذهبی خویش تردید و شک می‌کند، بعضی‌ها از این تردید و شک هراس دارند و می‌گویند نکند نوجوان



با این شک و تردید ره به جایی نباید ولی به گفته مرحوم مطهری از شک و تردید نباید ناراحت بود. شک مقدمه یقین و پرسش مقدمه وصول و اضطراب مقدمه آرامش است. شک معبر خوب و لازمی است هر چند منزل و توقفگاه نامناسبی است.

### مشکل تحصیل

در آغاز بلوغ نوجوان عملاً در دوره راهنمایی است. او دروس ابتدایی را به اتمام رسانده و تا اندازه‌ای به ریاضیات و مفاهیم اولیه علوم آشنا شده است. لذت بردن یا تنفر از درس و مدرسه معمولاً به دو عامل اول استعداد و انگیزش خود نوجوان و دوم، چگونگی و کیفیت آموزش بستگی دارد. همه افراد استعداد یکسانی را برای یادگیری ندارند. برای دسته‌ای ریاضیات مشکل است و باعث اضطراب آنان می‌شود. انگیزه افراد برای یادگیری نیز متفاوت است. وقتی انگیزه نوجوان ایمنی اجتماعی و مقبولیت و دست یافتن به مشاغل خاصی باشد، تلاش او برای موفقیت در درس به کسب همین اهداف محدود می‌شود و طبعاً با آن نوجوانی که انگیزش او بارور نمودن بیشتر استعدادها و کمال شخصی و پرورش روحیه تفتح و تحقیق است، یکسان نیست.

جمعیت لازم‌التعلیم در دوره نوجوانی و جوانی حدود  $\frac{1}{4}$  کل جمعیت ایران را

تشکیل می‌دهند. تعلیم به موقع آنان نیاز مملکت را از نظر داشتن افراد متخصص و کارگران ماهر تأمین می‌کند.

گاهی عقب‌ماندگی در تحصیل در اثر تشنگی فکری و وضع آشفته و هیجانانی است که به مناسبت بلوغ در نوجوان ایجاد شده است. از یک سو بحران بلوغ و مسائل مربوط به آن و از سوی دیگر بحران هویت و مسائل ارزشی و از طرفی روابط با والدین و همسالان، نوجوان را بر سر راههای انتخاب قرار می‌دهد و واقعاً نمی‌داند از زندگی چه می‌خواهد و دیگران نسبت به او چه عکس‌العملی نشان می‌دهند. این امور باعث ناراحتی، افسردگی و اضطراب نوجوان و در نتیجه عقب‌افتادگی و شکست در تحصیل می‌شود.

ارتباط متقابل معلمین یا دانش‌آموزان از جمله لوازم یادگیری است و اگر این ارتباط درست نباشد، موجب اشکالاتی در یادگیری و در نتیجه عقب‌افتادگی تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود. دانش‌آموزان به اهمیت کار تدریس واقف هستند و برای معلمین دارا بودن خصوصیات را لازم می‌دانند.

گرچه تسلط معلم بر درس و روش تدریس وی و ارتباط او با شاگردان مهم است ولی نباید از عوامل دیگر آموزشی از قبیل برنامه درسی محتوای کتاب‌ها، ساختمان آموزشگاه و شیوه مدیریت آموزشی غافل بود.

به طور کلی موفقیت یک نظام آموزشی مستلزم وجود پنج رکن لازم است:

۱. برنامه تحصیلی مناسب، ۲. معلمان کافی و صلاحیت‌دار، ۳. کتب و وسایل درسی مناسب، ۴. آموزشگاه‌های مطابق با وضعیت جغرافیایی و با کیفیت

مناسب، ۵. سازمان اداری مطابق با مقتضیات اجتماعی، اقتصادی و جغرافیای کشور.

### مشکل تحصیل در دانشگاه

ورود به دانشگاه مخصوصاً برای دانشجویان غیربومی مشکلات فراوانی را به همراه دارد. در دانشگاه فاصله و خلایق بین زندگی قبلی فامیلی و زندگی فعلی ایجاد می‌شود. محیط منظم و برنامه‌پیش‌بینی شده دبیرستان تغییر می‌یابد. دانشجو باید دروس خود را انتخاب کند و مشغول کار خود باشد. این دگرگونی برای او مشکل‌آفرین است. دوره دانشجویی با فشارها و ناراحتی‌هایی همراه است که بر سازگاری و بهداشت روانی جوانان اثر می‌گذارد.

دروس دانشگاهی غالباً غیرمرتبط و گسسته از یکدیگر است. امروزه نمی‌توان همه چیز را به همه کس آموخت و همانگونه که «اودلوم» گفته است، ضرورت اقتصادی و نیاز اجتماعی در هر زمینه ایجاب می‌کند که نوجوانان برای زندگی و کار آماده شوند. بنابراین دانشگاه باید عهده‌دار برآوردن نیاز اجتماعی و اقتصادی باشد و افراد را برای ادای این وظیفه آماده سازد و برنامه‌هایی برای رفع این نیازها تدوین نماید.

برخی از دانشجویان موفق به ادامه تحصیل نمی‌شوند و به دلیل کمبود معدل از دانشگاه اخراج می‌شوند. برخی دیگر از دانشجویان پیشرفت چشمگیری در دروس دانشگاهی ندارند و با سختی دوره دانشگاه را به پایان می‌رسانند و طبعاً از تبحر و تخصص کافی برخوردار نمی‌شوند. فلسفه تحصیلات در دانشگاه را



تأمین مایحتاج مادی نوجوانان خود باید هرچه می‌خواهند و می‌گویند، عملی شود و خود را مالک الزقاب و صاحب اختیار نوجوانان احساس می‌کنند. این طرز فکر با مخالفت شدید نوجوانان مواجه می‌شود زیرا نوجوانان نمی‌پذیرند که تأمین زندگی مادی به معنای صاحب اختیار بودن است. والدین در صورتی موفق می‌شوند که از هرگونه کنایه، سرزنش و تحمیل نظر خویش بپرهیزند و سعی کنند در کنار جوانان به رشد عاطفی، اجتماعی و اقتصادی آنان کمک کنند و متناسب با استعدادها و علایقشان کاری را از آنان بخواهند و به نیازها و خصوصیات آنان توجه داشته باشند.

مشکلات مالی در روابط والدین با نوجوانان نیز تأثیر می‌گذارد. اگر نوجوان کاری پیدا نکند یا مهارتی برای کاری نداشته باشد، والدین همه را از چشم خود نوجوان می‌بینند و به وجود امکانات و گاهی نداشتن استعداد وی توجه ندارند. کشمکش‌های خانوادگی مخصوصاً با جوانان به شغل و کار آینده و توافق و عدم توافق در رشته تحصیلی و کار خاص مربوط می‌شود. پسران مشکلات کمتری دارند و غالباً به کارهای غیر تخصصی و رشته‌هایی که مورد علاقه آنان نیست، می‌پردازند و از درگیری خانوادگی خود را نجات می‌دهند. در چنین مواردی موقعیت خانوادگی بهتری کسب می‌کنند. دیگر موردشمارت و سرزنش قرار نمی‌گیرند. دختران وضع پیچیده‌تری دارند زیرا از نظر امکانات شغلی محدودیت دارند و نمی‌توانند به برخی از کارها در خارج بپردازند. در خانواده‌های روستایی و کم‌درآمد شاید مشکل یافتن شغل کمتر

برنامه و روشهای تدریس متناسب با استعدادها و تجربیات آموزشی قبلی دانشجویان نباشد و به نیازهای اجتماعی توجه نکند، عملاً در جوانان انگیزش و شوقی ایجاد نمی‌کند و آنان را به دانشجویی منفعل و غیرفعال تبدیل نموده و نتیجه مطلوب را نمی‌دهد.

### جوان: معضل اشتغال و تنگناهای معیشتی

تأمین زندگی مادی، یکی از خواسته‌های جوانان است. برای جوانان همانگونه که «هاویگهرست» می‌گوید: ضرورت دارد که از استقلال اقتصادی خود اطمینان حاصل کنند و برای انتخاب و احراز شغل آماده گردند.

جوانان در پی آنند که از نظر مالی وابسته به دیگران و حتی به خانواده خود نباشند و از خود درآمدی داشته باشند. مشکلات مالی میدان پیشرفت جوانان را محدود می‌کند.

در اغلب خانواده‌های ایرانی جوانان از نظر مالی وابسته به خانواده هستند. این وابستگی در خانواده‌های شهری بیشتر است. در آن خانواده‌هایی که نوجوانان و جوانان از خود درآمدی دارند، از نظر خرج و استفاده از درآمد خود محدود هستند و بیشتر کمک به اقتصاد و هزینه خانواده می‌کنند. این وابستگی اقتصادی مشکلاتی را برای جوانان ایجاد می‌کند، از جمله اینکه گاهی والدین انتظارات فوق‌العاده‌ای از جوانان دارند و تمام شکست‌ها و جاه‌طلبی‌های خویش را از آنان می‌خواهند و یا کار و رشته‌ای را که مورد علاقه جوانان نیست، به آنان تحمیل می‌کنند. والدین فکر می‌کنند که به دلیل

عمدتاً به صورت زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱. پرورش منطقی نظری و قدرت تجزیه و تحلیل
۲. پرورش نیروی انسانی ماهر و متخصص برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی
۳. تکمیل تربیت اخلاقی و آموختن شیوه زندگی
۴. تربیت معلم
۵. تنویر افکار عمومی
۶. پرورش محقق برای امور تحقیقی

اینکه دانشگاه‌ها تا چه حد توانسته‌اند به این فلسفه جامعه عمل ببوشانند، مسأله‌ای است که مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است، تحقیقات وسیع و همه‌جانبه لازم است تا نقاط ضعف و قوت روشن گردد و با توجه به واقعیت‌ها برنامه‌ریزی صورت گیرد.

انتظار دانشجویان از دانشگاه به حفظ و انباشتن ذهن از محفوظات محدود نمی‌شود و در این صورت دانشگاه از وظیفه اساسی خود که رشد خلاقیت‌ها و پرورش محققین و آموختن شیوه زندگی و تربیت اخلاقی است، بازمانده است. اگر تعلیمات دانشگاهی و محتوای آن و مواد





مهارت روزافزون کسب کنند و سطح آگاهی علمی و حرفه‌ای خود را بالا ببرند.

### مشکل اوقات فراغت

کار و فراغت مفاهیمی است که با وقت و زمان ارتباط دارد. کار گذراندن وقت برای فعالیت خاص و با هدف خاصی است و فراغت وقت آزادی است که فرد به فعالیت خاصی مشغول نیست. معمولاً در جامعه کار اهمیت دارد و برای آن برنامه‌ریزی می‌شود ولی به اوقات فراغت توجهی نمی‌شود و برنامه‌ای برای چگونه گذراندن آن در نظر گرفته نمی‌شود. چگونگی گذراندن اوقات فراغت باید مورد توجه قرار گیرد و برای آن برنامه‌ریزی شود. اگر نوجوانان به حال خود وا گذاشته شوند، احتمال انحراف، بزهکاری و اعتیاد آنان می‌رود.

برای استفاده بهتر از اوقات فراغت می‌توان برنامه‌های متنوعی را پیش‌بینی کرد. تشکیل اردوهای تابستانی و شرکت دادن جوانان در کارها و خدمات عمومی می‌تواند به رشد اجتماعی و تجربه‌آموزی آنان کمک کند. ایجاد میادین ورزشی و شکل دادن به ورزشهایی که جنبه قهرمانی نداشته باشد و تنوع ورزشی و ایجاد رقابت‌های سازنده می‌تواند به نوجوانان در رشد جسمی و اجتماعی کمک کند و روح همکاری را در آنان پرورش دهد. ایجاد موزه‌ها و نمایشگاهها و تأسیس کتابخانه‌ها نوجوان را به سمت مشاهده و مطالعه می‌کشاند و دنیای جدیدی را به‌رومی او باز می‌کند. تهیه فیلمهایی با محتوای غنی و آموزنده و پخش آن در ساعاتی که وقت فراغت نوجوانان است، وسیله دیگری برای

وضعیت، دانش‌آموزان از انتخاب خود مطمئن نیستند و شغلی را که پیش‌بینی نموده، از صحت و سقم آن آگاهی ندارد. این تردید در اثر کمبود اطلاعات حرفه‌ای پیش می‌آید.

۲. انتخاب نامناسب: در این مورد، انتخاب شغل به علل متعدد به‌طور نامناسب انجام می‌پذیرد. علل چنین انتخاب نامناسبی متعدد و متنوع است که از جمله می‌توان درآمد شغلی و گرایش اجتماعی را نام برد.

۳. عدم انتخاب شغل: در این حالت دانش‌آموز از آمادگی کافی برای انتخاب شغل برخوردار نیست و اطلاعات کافی درباره مشاغل متعدد ندارد.

انتخاب درست شغل وقتی صورت می‌پذیرد که:

الف. ذوق و رغبت افراد مشخص گردد.

ب. استعدادهای ذهنی و بدنی آنان برای مشاغل مختلف تعیین گردد.

ج. اطلاعات شغلی از حرفه‌های گوناگون در دسترس باشد.

د. امکانات محیطی اجازه ورود به مشاغل را بدهد.

ه. فشارهای خانوادگی و اجتماعی در انتخاب به حداقل برسد.

و. مراکز آموزشی برای کسب مهارت‌ها موجود باشد.

ز. مشاوران حرفه‌ای برای تبادل نظر و مشورت وجود داشته باشند.

عوامل اجتماعی و اقتصادی نیز محدودیتهایی در انتخاب شغل و اشتغال جوانان ایجاد می‌کند ولی به‌طور کلی وظیفه جامعه ایجاد حرفه‌ها و کارهایی است که ضمن انجام آنها افراد تجربه و

باشد، زیرا کار کشاورزی و کارهای دستی از قبیل قالی‌بافی برای جوانان مهیاست. برای یک روستایی، جوانان مددکاران قابلی هستند و دختر یا پسر کار متناسب با خود را می‌یابد و مشغول به کار می‌شود و همین امر روابط بهتری را ایجاد می‌کند.

با وجودی که تحقیق مستقیمی در زمینه ارتباط مشکلات مالی با روابط خانوادگی صورت نگرفته است ولی از تحقیقات دیگری که در زمینه بزهکاری و عدم موفقیت تحصیلی انجام گرفته است، می‌توان استنباط کرد که فقر مالی و عدم امکانات شغلی و نداشتن مهارت باعث روابط غلط خانوادگی شده و جوانان را به بزهکاری‌ها کشانده است. خانواده‌ای که دچار مضیقه مالی است، حضور سرپرست خانواده در جمع خانوادگی کمتر می‌شود و تماس افراد به حداقل می‌رسد. افراد خانواده در وضعیتی خسته، یکدیگر را ملاقات می‌کنند، فشار کار و خستگی، حوصله افراد و تحمل عقاید یکدیگر را کم می‌کند و درگیری‌ها و مشاجرات را دامن می‌زند و متأسفانه هر سال متوسط هزینه در خانواده‌ها بالا می‌رود. البته آمادگی شغلی برای جوانان لازم است. جوانان به دلیل نداشتن تجربه کافی در برخورد با جمع و عدم مهارت اغلب در انتخاب شغل دچار اشکال می‌شوند و چون در این دوره زیر بار کسی نمی‌روند و تحمل عقاید دیگران را تدارکند، درحین کار نیز با مشکلاتی مواجه می‌گردند.

تحقیق «میتون» و سایرین نشان داد که مشکلات شغلی بین دانش‌آموزان دبیرستانی رایج‌تر از ابتدایی و راهنمایی است، این مشکلات در سه مورد است:

۱. تردید در انتخاب شغل: در این



گذراندن اوقات فراغت است. در این زمینه باید از پخش برنامه‌های سینمایی در ساعات کار و درس و نیز پخش برنامه تلویزیونی در ساعات مطالعه جلوگیری کرد. ایجاد روابط بهتر خانوادگی و بحث و نتیجه‌گیری در زمینه چگونه گذراندن وقت اضافی به نتایجی از قبیل گردش، قدم زدن، کوهنوردی، باغبانی، گل‌کاری، کارهای دستی، جمع‌آوری کلکسیون و ... می‌انجامد که هم برای نوجوان لذت‌بخش است و هم تفاهم و تبادل نظر خانوادگی را گسترش می‌دهد، امور اجتماعی محل را می‌توان برعهده جوانان گذارد و ضمن نظارت آنان را به مشکلات عملی آشنا ساخت. شرکت در اموری از قبیل سوادآموزی، آموزش نظامی، نظافت محل و ... به جوانان روحیه تعاون و شرکت در امور اجتماعی و طریقه برخورد و حل مسائل اجتماعی را می‌آموزد.

### مشکلات جنسی

مسائل جنسی غالباً فکر یک نوجوان را به خود مشغول می‌دارد و سوالاتی را برای وی برمی‌انگیزد. جوانان با مشکلات جنسی فراوانی مواجه هستند که مهمترین آنها را می‌توان چنین برشمرد: ۱. جهل جنسی، ۲. عدم کفایت اطلاعات والدین برای راهنمایی فرزندان، ۳. شیوع وسایل برانگیزنده جنسی، ۴. مشکل انتخاب همسر، ۵. مشکلات ازدواج و بالارفتن سن ازدواج، ۶. شیوه کامجویی‌های بدلی.

### مقابله با اینگونه مشکلات

برای رویرویی و حل مشکلات جنسی، قبل از هر چیز باید به ارزیابی پرداخت. در ارزیابی و شناخت مشکلات

جنسی باید ابتدا تاریخچه زندگی فرد را به دست آورد تا کیفیت رشد، تجربیات اولیه و وقایع مهم در طول زندگی وی روشن گردد.

با اینکه انحرافات و اشکالات جنسی شکل‌های مختلفی داشته و هرکدام راه حل خاص خود را می‌طلبد و قبلاً هم به این راه‌حلها اشاره مختصری نمودیم، ولی می‌توان روشهای عمومی تغییر رفتار جنسی را به صورت زیر بیان داشت:

**اول . شیوه‌های تغییر رفتار:** در این شیوه‌ها بر استفاده از روشهای تغییر رفتار تکیه می‌شود.

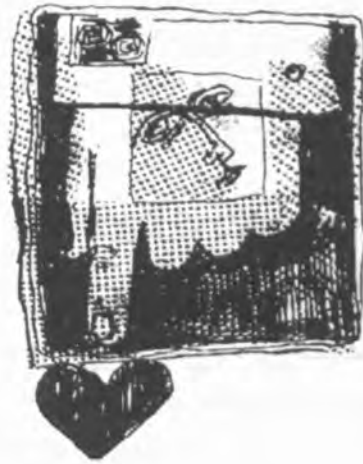
**دوم . شیوه‌های شناختی:** در این شیوه بر بصیرت و آگاهی فرد تأکید می‌شود.

**سوم . مشاوره‌های گروهی:** در این قسمت به تصحیح روابط فرد با دیگران و جامعه‌پذیری فرد می‌پردازد.

**چهارم . بازیابی تواناییهای فردی و ایجاد امکانات اجتماعی و اقتصادی.**

### منابع و مآخذ:

۱. روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، تألیف دکتر سیداحمد احمدی.
۲. جوان مسلمان و دنیای تجدد، تألیف سیدحسین نصر.
۳. رفتارهای بهنجار و نابهنجار در کودکان و نوجوانان، تألیف دکتر نوایی نژاد.
۴. مسائل نوجوانان و جوانان، تألیف دکتر محمد خدایاری فرد.
۵. بلوغ تولدی دیگر، تألیف محمود محمدیان.



نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی